



نگاه ایرانی به سیاست آسیایی و همسایگی؛

رویکردسنجی مقالات علمی - پژوهشی ایرانی ۱۳۹۸-۱۴۰۱

سجاد صادقی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۶/۱۱/۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۰۹/۰۲/۱۴۰۲

چکیده

تحول پژوهشی و رویکرد سنجی دانش روابط بین‌الملل ایرانی می‌تواند وضعیت کنونی و پله‌ای از نردبان علم که بر آن ایستاده‌ایم را بر مبنای واقعیت - آنچه هست - ترسیم نماید و بر اساس چنین پژوهش‌هایی امکان ترسیم مسیری جهت ارتقای علم روابط بین‌الملل ایرانی - آنچه باید باشد - بر مبنای آسیب‌شناسی علمی امکان‌پذیر می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های گذشته نگارنده در این حوزه دریافتیم که در مباحث پیرامون سیاست همسایگی و سیاست آسیایی - متمرکز بر منافع و مصلحت ملی - دانش روابط بین‌الملل ایرانی مبتلا به نوعی از فقر نظری مزمن شده است. بر این مبنای پژوهش حاضر ۶۱۴ مقاله علمی - پژوهشی منتشر شده روابط بین‌الملل ایرانی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۴۰۱ با روش پژوهش «نظریه داده بنیاد ساخت‌گرایانه» و «روش تحلیل محتوای مقوله‌ای» مبتنی بر کلیدواژه‌های نظری مورد بررسی قرار گرفت و دریافتیم که پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل در بررسی مسائل همسایگی و آسیایی ایران، متغیر عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - چه مثبت چه منفی - را کمتر مورد بررسی قرار می‌دهند و نوعی سکوت پژوهشی معنادار در این حوزه پژوهشی علمی دیده می‌شود که می‌تواند از علائم ابتلا به «سندروم کیسینجر» حاد و درمان نشده باشد. همچنین دریافتیم بخش قابل‌اعتنایی از پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل به عملکرد سیاست خارجی آمریکا در مسائل سیاست همسایگی و آسیایی ایران به‌عنوان یک متغیر دخیل مؤثر نگرسته و مسائل بین‌المللی را از دریچه نقش قدرت‌های بزرگ مورد بررسی قرار می‌دهند. در اینجا عدم توجه به پیشینه فرهنگی - تاریخی روابط خارجی، مسائل ژئوپلیتیکی و مسائل مرتبط با تحدید مرزی، عدم تلاش برای ارائه راهکار جهت حفظ و گسترش روابط خارجی در چهارچوب سیاست همسایگی، غیرکاربردی بودن پژوهش‌ها، عدم آسیب‌شناسی علل تضعیف برخی از روابط خارجی و نوعی نگاه بدبینانه به عملکرد سازمان‌های بین‌المللی مشهود و قابل بررسی و ریشه‌یابی در پژوهش‌های آتی است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی روابط بین‌الملل، تحول پژوهشی روابط بین‌الملل، روابط بین‌الملل، روابط بین‌الملل

ایرانی، رویکردسنجی روابط بین‌الملل، سیاست آسیایی، سیاست همسایگی.

مقدمه

رویکرد سنجی دانش روابط بین‌الملل بومی روشی علمی است که بر مبنای آن می‌توان نقاط ضعف و مسائلی از دانش که دچار تشدید توجه در مواردی ضعف سهوی یا عمدی توجه است استخراج و مسیری با تکیه بر آینده‌پژوهی مبتنی بر علم برای بهبود وضعیت ناشی از افراط و تفریط سهوی یا عمدی در جامعه دانشگاهی ترسیم نمود؛ با این هدف که به‌مرور زمینه و راه برای نظریه‌پردازی بومی روابط بین‌الملل که قابلیت جهانی‌شدن و مورد پذیرش فراملی قرار گرفتن نیز داشته باشد، هموار گردد. با توجه به وسعت سرزمینی ایران که دارای نزدیک به ۶ هزار کیلومتر مرز خاکی با ۷ کشور و بیش از ۲,۷۰۰ کیلومتر مرز آبی است که از طریق دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس با کشورهای دیگری هم‌جوار شده است، ایران یک کشور «پُر همسایه و پُر هم‌جوار» محسوب می‌شود؛ این وضعیت چالش‌ها و فرصت‌هایی را پیش روی سیاست خارجی ایران در طول تاریخ قرار داده است. ژئوپلیتیک ایران که در قالب تدوین «سیاست همسایگی جامع مبتنی بر علم» می‌تواند بازار هدف اقتصادی حداقل ۶۵۰ میلیون نفری را فقط در مرزهای آبی و خاکی ایران در دسترس قرار داده که مزیت اقتصادی حمل‌ارزان، سریع و بهینه انواع کالا و خدمات را مهیا و به دلیل بستر مشترک تاریخی- فرهنگی امکان تعمیق و توسعه کم‌هزینه آن ممکن و در دسترس خواهد بود. واقع‌شدن در قاره آسیا با جمعیتی بیش از ۴/۷ میلیارد نفر که به دلیل درحال‌توسعه بودن اکثر کشورهای آن، امکان و بستر تبادل اقتصادی گسترده میان هم‌قاره‌ای‌ها را مهیا کرده است مزیت دیگر اقتصادی برخاسته از جبر جغرافیایی ایران است. به دلیل اهمیت موضوع سیاست همسایگی و سیاست آسیایی، همچنین اتخاذ سیاست کلی نگاه به شرق جدی و عمل‌گرا در دکترین رسمی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در این پژوهش به دنبال رویکردسنجی مقالات جامعه دانشگاهی روابط بین‌الملل در حوزه سیاست همسایگی و سیاست آسیایی هستیم تا بدانیم جامعه دانشگاهی روابط بین‌الملل ایران بیشتر به کدام‌یک از همسایگان یا کشورهای آسیایی و با چه رویکردی پرداخته است. همچنین دریابیم که در چه حوزه‌هایی دچار فقر نظری و پژوهشی هستیم و درنهایت بتوان راهکاری برای برون‌رفت از مشکلات احتمالی ارائه و زیربنایی قابل اتکا برای پژوهش‌های آتی آماده نماییم. دقت شود رویکرد مقالات پژوهشی مبتنی بر رویکردسنجی و تحول‌پژوهشی دانش به‌صورت مرسوم منتقدانه و هدف نهایی نمایان کردن نقاط ضعف است (نقد صریح و بدون در نظر گرفتن منافع صنفی و گروهی). در پژوهش حاضر نیز

رویکرد نقادی صریح از نوع سازنده است؛ نقدهای وارده در این پژوهش و سایر پژوهش‌های نگارنده به معنای نادیده گرفتن نقاط قوت دانش روابط بین‌الملل ایرانی نمی‌باشد. اما با توجه به اینکه برای رسیدن به مرحله «نظریه‌پردازی بومی روابط بین‌الملل» که مورد پذیرش جوامع دانشگاهی فرا ملی نیز قرار بگیرد، نیاز به اصلاح منطقی، واقعیت محور و علمی نقاط ضعف پژوهشی است، نگارنده توجه خود را به نقاط ضعف و آسیب‌شناسی متمرکز کرده است.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع اکتشافی و به دنبال شناخت گزاره‌های مستخرج از «مفهوم سنجی» و درنهایت تعیین نظریه داده نهاد است، روش پژوهش «نظریه داده بنیاد ساخت‌گرایانه» مناسب تشخیص داده شد. مقالات به «روش تحلیل محتوای مقوله‌ای» مبتنی بر کلیدواژه‌های نظری ابتدا توسط نیروی انسانی متخصص و سپس توسط نرم‌افزار رایانه‌ای اختصاصی این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از سه مرحله کدگذاری شامل «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» و با روند جزء به کل، درنهایت بدون پیش‌فرض به گزاره‌های تأییدشده و قابل اتکا دست یافتیم. باید دقت شود که روش پژوهش به کار رفته با وجود آنکه منجر به داده‌های کمی خواهد شد درنهایت نوعی روش کیفی محسوب می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

در رساله دکتری نگارنده با عنوان «نقش ایالات متحده آمریکا در روند تکوین نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل در نیمه دوم قرن بیستم» در دانشگاه علامه طباطبایی^۱ و بر مبنای مباحث مرتبط با «دانش و قدرت»، مفهوم «زمینه‌مندی» و مفاهیم مرتبط با «جامعه‌شناسی شناخت» موفق به فهم گلوگاه‌های تأثیرپذیری دانش روابط بین‌الملل از عوامل برون‌رشته‌ای و خارج از کنترل دیسپلین شدیم که نتایج حاصل از آن رساله در مقاله‌ای با عنوان «آمریکا و نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل: برداشتی انتقادی از مؤلفه‌های نظام هنجاری، سیاست قدرت و تولید علم»^۲ منتشر شده است. در آن رساله دانشگاهی نقاط تأثیرپذیری نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل به صورت عمومی، نه خاص و

۱. این رساله دکتری با راهنمایی آقای دکتر سید اصغر کیوان حسینی و با مشاوره آقایان دکتر حسین سلیمی و دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی در بهمن ۱۴۰۱ به پایان رسیده است.

۲. فصلنامه «سیاست جهانی»، دانشگاه گیلان.

بومی‌گرایانه، از عوامل برون رشته‌ای با این رویکرد که «چرا جوامع دانشگاهی آمریکا و غرب توانستند نظریه‌پردازی مؤثر داشته باشند و ما نمی‌توانیم» استخراج شد و بر اساس یافته‌های رساله مذکور دریافتیم که جوامع دانشگاهی روابط بین‌الملل موفق و پیشرو یک ارزیابی بومی از روند تولید این دانش در کشورهای خود مبتنی بر رویکردسنجی منتقدانه جدی (بدون در نظر گرفتن منافع صنفی) داشته و تلاش می‌کنند در سبکی از آسیب‌شناسی علمی میزان تأثیرپذیری دانش روابط بین‌الملل بومی از عوامل برون رشته‌ای را به صورت مستمر مورد ارزیابی قرار دهند و این ارزیابی پله اول در نظریه‌پردازی بومی است. آن‌چنان که در آمریکا نیز دانشگاه ویلیام و مری از سال ۲۰۰۹ تا امروز به صورت مستمر چنین پژوهش‌هایی را انجام داده است.^۱ معمولاً پله اول چنین پژوهش‌هایی رویکردسنجی دانش تولیدشده مکتوب، مقالات و کتب علمی و پژوهشی، است؛ بر همین مبنا سلسله پژوهش‌هایی را در زمینه رویکردسنجی و آسیب‌شناسی دانش روابط بین‌الملل ایرانی طراحی و آغاز کردیم.

نگارنده طی دو پژوهش در حوزه تحول‌پژوهی و رویکردسنجی روابط بین‌الملل ایرانی و با عنوان «رویکردسنجی ادبیات علمی روابط بین‌الملل ایرانی: بررسی مقالات علمی و پژوهشی سال ۱۴۰۰»^۲ و «تأثیرپذیری نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل از سیاست خارجی آمریکا: مطالعه موردی مقالات ایرانی ۱۳۹۸-۱۴۰۰»^۳ با بررسی مقالات علمی-پژوهشی ایرانی دریافته است که بخش قابل‌اعتنایی از پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل بر «مطالعات موردی سیاست خارجی معاصر» با جهت‌گیری پارادایمی جریان اصلی متمرکز بوده و مسائل-حتی در خصوص همسایگان ایران-را بدون سنجش میزان تأثیرگذاری حاصل از «عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» مورد پژوهش قرار داده؛ همچنین «سیاست خارجی آمریکا» را به دلیل پذیرش نقش قدرت «چیره‌طلبانه» و نقش‌آفرینی متعدد در وقایع بین‌المللی به‌عنوان متغیر مستقل مؤثر دخیل انگاشته و درعین‌حال در پژوهش‌های ایرانی روابط بین‌الملل نسبت به عملکرد سیاست خارجی آمریکا نگاه منفی و بدبینانه حاکم است. همچنین در پژوهش دیگر نگارنده با عنوان «آسیب‌شناسی دانش اکتسابی حاصل از

۱. جهت اطلاع از جزئیات پژوهش‌های دانشگاه ویلیام و مری به پژوهش‌های گذشته نگارنده مراجعه شود.

۲. دو فصلنامه «پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل»، دانشگاه فردوسی.

۳. فصلنامه «پژوهش‌های راهبردی سیاست»، دانشگاه علامه طباطبائی.

آموزش روابط بین‌الملل ایرانی^۱ با بررسی «دانش اکتسابی» ۳۷۵ دانشجوی و دانش‌آموخته روابط بین‌الملل از ۱۵ دانشگاه کشور دریافت شد که اکثریت حضاران در پژوهش، نظام بین‌الملل را «آنارشیک غیرقابل مهار» می‌دانند که نحوه توزیع قدرت در آن بر مبنای توانمندی نظامی (به‌ویژه توان بازدارندگی) است. همچنین نگاه بدبینانه‌ای نسبت به جایگاه و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ جهانی وجود دارد که عملکرد آن‌ها را ضامن «حفظ وضعیت کنونی» می‌دانند. همچنین دریافت شد که مطالعات مسائل آمریکا با محوریت تأثیرگذاری بر اقتصاد سیاسی بین‌المللی و امنیت بین‌المللی در صدر علاقه‌مندی دانشجویان و دانش‌آموختگان روابط بین‌الملل ایرانی قرار دارد. آن‌ها محور بررسی مسائل آمریکا را به روابط بین آمریکا و چین اختصاص می‌دهند و روابط میان آمریکا و ایران را از دریچه پرونده هسته‌ای ایران نظاره می‌کنند. بر اساس این چهار پژوهش و منطبق با محورهای همایش «سیاست آسیایی و همسایگی جمهوری اسلامی ایران»، نگارنده به این نتیجه رسیده است که نوعی فقر نظری در حوزه سیاست همسایگی و همچنین سیاست آسیایی نیز قابل مشاهده است که در این پژوهش به دنبال بررسی و سنجش دقیق میزان آن و ارائه توصیه‌های واقع‌گرا جهت رفع این معضل هستیم.

۲. سیاست همسایگی موفق؛ اتصال دو مفهوم قدرت و اخلاق

قبل از هر چیزی باید تعریفی از مفهوم «سیاست همسایگی موفق» داشته باشیم تا بتوانیم به‌عنوان شاخص در جهت سنجش عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آن را بکار ببریم؛ در این بخش از پژوهش مبانی نظری سیاست همسایگی موفق از منظر هدف نهایی روابط بین‌الملل (ایجاد صلح پایدار) را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم. مهم‌ترین اصل در سیاست همسایگی فراگیر «ایجاد دنیایی است که عدالت و فرصت - اقتصادی و سیاسی- را برای همه همسایگان به‌صورت برابر ایجاد نماید.» به‌صورت مرسوم برای نیل به این هدف نیاز به اتخاذ یک سیاست امنیتی است که «بازی حاصل جمع صفر» مرسوم را به «بازی حاصل جمع مثبت» تبدیل و با کمک مشوق‌ها ذیل عنوان «ثبات، رفاه و امنیت برای همه» و در صورت نیاز با به‌کارگیری ابزارهای اجبار ذیل عنوان «تحریم و تهدید به ارزش حیاتی» بتواند تقویت همکاری متقابل و بقای سیاست

۱. فصلنامه «پژوهش‌های راهبردی سیاست»، دانشگاه علامه طباطبائی.

همسایگی را تضمین نماید. در چنین شرایطی اتحاد حاصل از سیاست همسایگی تبدیل به یک «نیروی خیر» ثابت‌بخش در نظام بین‌الملل می‌شود و سایر بازیگران نگاه مثبت و سازنده به آن خواهند داشت.

در گذشته و ذیل فراگیر و متداول شدن پیش‌فرض‌های واقع‌گرایی - به‌ویژه در روابط بین‌الملل - که برخاسته از شرایط نظم بین‌المللی متأثر از الزامات جنگ سرد بود، در مطالعات سیاست خارجی و روابط بین‌الملل به‌صورت پیش‌فرض «اخلاق» و «قدرت» دو مفهوم غیرقابل اتصال دانسته می‌شد و قدرت صرفاً به‌عنوان پیگیری مطلق منافع ملی دولت‌ها با هدف برتری‌جویی مادی و معنوی از سایر بازیگران نظام بین‌الملل تعریف می‌شد. در چنین شرایطی اخلاق یا محلی از اعراب نداشت یا در درجه چندم اهمیت - نسبت به مسائل مادی - قرار می‌گرفت و حتی تنها «وظیفه اخلاقی» مورد پذیرش در دانش روابط بین‌الملل، «اصل لزوم دفاع دولت‌ها از منافع ملی خود در برابر بیگانگان» بود (Morgenthau, 1948). در دوران پسا جنگ سرد حتی طرفداران پیش‌فرض‌های واقع‌گرایی نیز اهمیت به رسمیت شناختن پیوندهایی حداقلی میان دو مفهوم اخلاق و قدرت را درک کرده و در اینجا بحث «دولت‌های اخلاقی» مطرح می‌گردد که حاصل ترکیب نگاه واقع‌گرایی به قدرت و اخلاق و در نهایت تغییر اولویت‌بندی عملکرد در سطوح مختلف نظم بین‌المللی است؛ بدین معنا که «رفاه جامعه بین‌المللی یا جامعه منطقه‌ای» یا «منفعت حاصل از همکاری جمعی بین‌المللی یا منطقه‌ای» بر پیگیری مطلق و بی‌رحمانه منافع ملی فردگرایانه دولت‌ها اولویت پیدا می‌کند (Linklater, 1992: 9-28). بر این مبنا چالش اصلی در «سیاست خارجی مدرن» به‌ویژه در قرن بیست‌ویکم ایجاد تعادل میان «منافع مادی» در حالت تقلیل یافته منافع ملی و «انگیزه‌های اخلاقی» است که بتوان در نهایت به‌عنوان یک «دولت اخلاقی» یا «نیروی خیر» در نظام بین‌الملل مشروعیت کسب کرد (Hill, 2003: 233-255). اگر این تعادل برقرار شود شاهد ظهور بازیگرانی «خودیاری‌گرا» هستیم که می‌توانند علی‌رغم پذیرش «آنارشیک بودن» نظام بین‌المللی رفتار درست منطقی اخلاقی داشته و «سیاست خارجی منطبق با اخلاق» اتخاذ نمایند (Brown, 2002: 99-173).

با فراگیر شدن و معیار واقع‌شدن عملکرد در نظام بین‌الملل بر مبنای «دولت اخلاقی» به‌مرور مفهوم «شهروند خوب بین‌المللی» نیز خلق می‌گردد که نتیجه نهادینه شدن اتصال پایدار مفاهیم قدرت و اخلاق در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل است. در اینجا دولت خوب و نیروی خیر ضمن پایبندی به اصول «جامعه بین‌المللی» جامعه‌ای متشکل از بازیگران بین‌المللی در مواردی که

پیگیری منافع ملی با حقوق بشر یا منافع جمعی در تضاد است، کسب منفعت ملی را متوقف و اولویت را به رفاه، امنیت و منافع جامعه بین‌المللی یا منطقه‌ای می‌دهد (Dunne & Wheeler, 2001: 167-). (185).

نتیجه قهری این فرایند «سیاست خارجی اخلاقی» است که بر مبنای آن سیستمی تعادلی ایجاد می‌شود که بین اهداف ملی و «اهداف محیطی» برخاسته از نظام بین‌المللی که متضمن «خیر عمومی» است، انتخاب عقلانی با در نظر گرفتن تأثیر آن انتخاب بر دیگر بازیگران صورت می‌گیرد (Wolfers, 1962: 67-80). در اینجا شهروند خوب بین‌المللی از منظر اخلاقی متعهد است که علاوه بر پیگیری منافع مردم خود، پیگیر منافع سایر بشریت باشد که این وضعیت نوعی «بعد اخلاقی» در سیاست خارجی» را ایجاد می‌نماید که در نهایت منجر به نهادینه شدن سیاست همسایگی در حد اعلی آن و ایجاد نوعی اتحاد پایدار خواهد شد (Brown, 2001: 15-32). البته نکته قابل تأمل این است که چه عملکردی و بر چه مبنایی می‌تواند سیاست خارجی اخلاقی محسوب شود. زیرا ممکن است یک سیاست‌گذاری مبتنی بر «نیت خوب» در نهایت منجر به نادیده گرفتن منافع و ارزش‌های حیاتی یا غیر حیاتی دیگران شود. از این منظر وجود قیود و محدودیت‌های قانونی بدون راهکاری پیشنهادی است (Eriksen, 2006: 252-269). در مجموع سیاست همسایگی، سیاست منطقه‌ای و سیاست قاره‌ای در صورتی امکان موفقیت دارد که طرفین و اعضای حاضر در آن بتوانند بین مفاهیم اخلاق و قدرت نوعی پیوند ایجاد نمایند و منفعت جمعی را بر منفعت فردی ارجحیت بدهند. در سنجش موفقیت سیاست همسایگی - نه فقط در مورد ایران بلکه در مورد کل کشورها - پژوهشگران می‌بایست دقت نمایند که آیا در روابط خارجی کشور مورد پژوهش «بازی حاصل جمع صفر» مرسوم تبدیل به «بازی حاصل جمع مثبت» شده است یا خیر؟ آیا کشوری که در مورد سیاست همسایگی آن پژوهش می‌شود اولویت را به رفاه، امنیت و منافع جامعه بین‌المللی یا منطقه‌ای می‌دهد یا خیر؟

این‌ها سؤالات مهمی است که یک پژوهشگر سیاست همسایگی موظف به پاسخگویی به آن است تا بتواند عملکرد سیاست همسایگی کشور مورد پژوهش را ارزیابی دقیق نماید. در این پژوهش علاوه بر ارزیابی و رویکردسنجی مقالات ایرانی در زمینه سیاست همسایگی و آسیایی جمهوری اسلامی ایران، بررسی خواهد شد که آیا پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل ارزیابی و

ارزش‌گذاری درست و علمی - مبتنی با مبانی نظری مطروحه - از وضعیت سیاست‌گذاری خارجی کشور در زمینه سیاست همسایگی دارد یا خیر؟

۳. فرایند بررسی روابط بین‌الملل ایرانی از منظر سیاست همسایگی و سیاست آسیایی

در این پژوهش ۲۲ مجله علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ایرانی انتخاب و از میان ۱۴۴۱ مقاله منتشر شده در سال‌های ۱۳۹۸-۱۴۰۱ تشخیص داده شده مرتبط با روابط بین‌الملل، ۶۱۴ مقاله با ارتباط موضوعی به سیاست آسیایی و سیاست همسایگی ایران استخراج و مورد مطالعه موردی قرار گرفت. (لیست مجلات در پیوست شماره ۱ درج شده است) بر این اساس تقریباً از هر دو مقاله ایرانی روابط بین‌الملل منتشر شده در چهار سال گذشته - جامعه آماری پژوهش - یک مقاله مرتبط با سیاست همسایگی و آسیایی است. که این اعداد و ارقام در نگاه اول و بدون بررسی جزئیات نمایانگر توجه پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل به این حوزه مطالعاتی است.

جدول شماره ۱: مقالات بر اساس سال انتشار

سال انتشار	تعداد مقالات مرتبط با سیاست آسیایی و سیاست همسایگی	تعداد کل مقالات مرتبط با روابط بین‌الملل	درصد مقالات
۱۳۹۸	۱۴۷	۳۰۷	۴۸
۱۳۹۹	۱۱۹	۳۱۵	۳۸
۱۴۰۰	۱۶۲	۳۹۶	۴۱
۱۴۰۱	۱۸۶	۴۲۳	۴۴
مجموع	۶۱۴ مقاله	۱۴۴۱ مقاله	۴۳ درصد

۴. یافته‌های پژوهش

در بررسی رویکردسنجی مقالات بر اساس «جهت‌گیری مطالعاتی» و بر مبنای سیستم «کدگذاری» ابتدا به چهار گروه عمده شامل مقالات مرتبط با «سیاست همسایگی»، «سیاست آسیایی»، «تحولات منطقه‌ای» و «کانون‌های بحران منطقه‌ای» دست یافتیم. بر اساس داده‌های جدول شماره ۲ مطالعات سیاست همسایگی با ۳۹۵ مورد و بررسی تحولات منطقه‌ای با ۲۱۳ مورد در صدر توجه پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل قرار دارد.

جدول شماره ۲: رویکردسنجی جهت‌گیری عمده مقالات

جهت‌گیری عمده مقالات ^۱ (از ۶۱۴ مورد)			
سیاست همسایگی	سیاست آسیایی	تحولات منطقه‌ای	کانون‌های بحران منطقه‌ای
۳۹۵ مقاله	۱۲۷ مقاله	۲۱۳ مقاله	۱۱۲ مقاله

سپس در جهت بررسی دقیق‌تر، هر یک از این چهار گروه عمده را به «روش تحلیل محتوای مقوله‌ای» مبتنی بر کلیدواژه‌های نظری مورد رویکردسنجی قرار دادیم و ضمن بررسی جهت‌گیری موضوعی به داده‌های جدول‌های شماره ۳ الی ۶ دست یافتیم. بر اساس داده‌های این جداول دریافتیم - به ترتیب بیشترین فراوانی - مطالعات مسائل عربستان سعودی، چین، عراق، روسیه، ترکیه، سوریه، رژیم صهیونیستی، هند، یمن و افغانستان در صدر توجه پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل قرار دارد. هرچند که این اعداد به دست آمده با توجه به بازه چهارساله مورد بررسی پژوهش چندان قابل توجه نیست؛ به‌عنوان مثال مسائل عربستان سعودی با ۸۶ مورد پژوهش در صدر توجه قرار دارد که به‌طور متوسط سالی ۲۱ پژوهش می‌شود یا مسائل افغانستان با ۲۵ مورد پژوهشی وسط جدول قرار دارد که به‌طور متوسط سالی ۶ پژوهش می‌شود یا ترکمنستان که با ۲ مورد پژوهش در بازه چهارساله در انتهای جدول قرار دارد. همچنین در حوزه مطالعات منطقه‌ای،

۱. توجه شود که هر مقاله می‌تواند در بیش از یک طبقه‌بندی قرار گیرد. به عنوان مثال مقاله‌ای با عنوان «بررسی هم‌سویی سیاست خارجی عربستان سعودی با آمریکا و تأثیر آن بر فرایند عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل»، هم‌زمان در دو گروه سیاست همسایگی و کانون‌های بحران قرار خواهد گرفت.

مطالعات غرب آسیا (خاورمیانه) و خلیج‌فارس با محوریت مسائل حوزه انرژی دارای اولویت نخست برای پژوهشگران ایرانی روابط بین‌الملل بوده است. باید توجه داشت که بخش قابل‌توجهی (۴۵۴ مورد برابر با ۷۴ درصد) از این پژوهش‌ها نیز مستخرج از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی است. بر این اساس در حوزه‌های مطالعاتی هند، یمن، افغانستان، پاکستان، قطر، بحرین، جمهوری آذربایجان، کره، ژاپن، کویت، امارات متحده عربی، عمان و ترکمنستان دچار فقر پژوهشی هستیم - همچنین نسبت به مسائل بین‌الملل سایر کشورهای حوزه آسیا مانند اردن، لبنان، تایلند، سنگاپور، مالزی، تایوان و ... کاملاً بی‌توجه هستیم - تقریباً می‌توان گفت این پژوهش‌های اندک و انگشت‌شمار در زمینه سیاست همسایگی و آسیایی نمی‌توانند تأمین‌کننده پشتوانه علمی در جهت هدایت سیاست‌گذاری آسیایی و همسایگی کشور باشند. (به‌ویژه اگر مقالات مستخرج از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی که بخش قابل‌اعتنایی از آن‌ها بی‌کیفیت هستند را حذف کنیم که در این صورت صرفاً ۱۶۰ مقاله باقی می‌ماند).

جدول شماره ۳: رویکردسنجی مقالات مرتبط با همسایگان ایران، به ترتیب بیشترین فراوانی

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
مطالعات عربستان	۸۶	مطالعات سیاست خارجی عربستان بر مبنای نقش‌آفرینی عربستان در سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا؛ مطالعات سیاست‌گذاری عربستان در حوزه انرژی و تأثیرگذاری بر معادلات سیاسی منطقه؛ مطالعات نقش‌آفرینی عربستان در بحران‌های منطقه (یمن، سوریه، عراق، فلسطین و ...) مطالعات روابط ایران و عربستان با محوریت نقش‌آفرینی قدرت‌های بزرگ در ایجاد و ادامه تنش؛ مطالعات سیاست داخلی عربستان با محوریت نقض حقوق بشر؛ مطالعات سیاست خارجی عربستان و نقش‌آفرینی در تداوم حضور گروه‌های تروریستی در منطقه؛ مطالعات سیاست‌گذاری خارجی عربستان و نقش‌آفرینی در عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی.

جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار	تعداد	حوزه‌های مطالعاتی
<p>مطالعات روابط خارجی عراق از منظر تأثیرگذاری سیاسی- امنیتی آمریکا در قالب حضور نظامی؛</p> <p>مطالعات عراق با محوریت نقش آفرینی سیاست‌گذاری خارجی آمریکا و مخاطرات ایجادشده برای تمامیت ارضی عراق؛</p> <p>مطالعات تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ در تداوم بحران و تنش میان گروه‌های سیاسی عراق؛</p> <p>مطالعات تحولات سیاسی عراق با محوریت افراط‌گرایی مذهبی؛</p> <p>مطالعات مسائل عراق با محوریت ظهور و سقوط داعش؛</p> <p>مطالعات تحولات عراق با تکیه بر نقش مرجعیت شیعه در ایجاد اتحاد ملی و حفظ تمامیت ارضی (به‌ویژه در مبارزه با داعش).</p>	۸۳	مطالعات عراق
<p>مطالعات روابط آمریکا و روسیه با محوریت تنش‌های امنیتی و رقابت استراتژیک؛</p> <p>مطالعات سیاست‌گذاری حوزه انرژی روسیه و تأثیرگذاری آن بر مسائل سیاسی (به‌ویژه بر اتحادیه اروپا)؛</p> <p>مطالعات جایگاه روسیه در نظام بین‌الملل؛</p> <p>مطالعات روابط روسیه با کشورهای عربی؛</p> <p>مطالعات سیاست‌گذاری خارجی روسیه و نقش آفرینی در غرب آسیا؛</p> <p>مطالعات روابط ایران و روسیه از منظر سیاست شرق‌گرایی جمهوری اسلامی ایران؛</p> <p>مطالعات روسیه با محوریت نقش آفرینی در همگرایی و سیاست‌های اقدام جمعی؛</p> <p>مطالعات روسیه با محوریت بحران سوریه؛</p> <p>مطالعات روسیه با محوریت تنش و بحران در شبه‌جزیره کریمه و اوکراین.</p>	۷۶	مطالعات روسیه
<p>مطالعات روابط خارجی ترکیه از منظر تأثیرگذاری آمریکا بر ناتو و عضویت ترکیه در ناتو؛</p> <p>مطالعات ترکیه با محوریت نقش آفرینی در بحران سوریه؛</p> <p>مطالعات ترکیه با محوریت نقش آفرینی ترکیه در بحران‌های منطقه (به‌عنوان عامل تشدیدکننده یا کاهنده)؛</p> <p>مطالعات ترکیه با محوریت سیاست خارجی در حوزه قفقاز؛</p>	۵۳	مطالعات ترکیه

جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار	تعداد	حوزه‌های مطالعاتی
مطالعات روابط ترکیه و اتحادیه اروپا؛ مطالعات ترکیه از منظر دیپلماسی اقتصادی؛ بررسی روابط ایران و ترکیه (با محوریت همگرایی منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم و دیپلماسی اقتصادی).		
مطالعات سیاست خارجی و مسائل امنیتی افغانستان بر مبنای تأثیرپذیری از اشغال نظامی توسط آمریکا؛ مطالعات سیاست خارجی آمریکا در افغانستان (به‌ویژه شکست اشغال نظامی افغانستان)؛ مطالعات امنیتی با محوریت تأثیرگذاری مسائل افغانستان بر معادلات منطقه‌ای و سیاست‌گذاری همسایگان؛ مطالعات نقش‌آفرینی سازمان‌های بین‌المللی در مسائل افغانستان (به‌ویژه کمک‌های بشردوستانه).	۲۵	مطالعات افغانستان
مطالعات سیاست خارجی آمریکا مرتبط با مسائل پاکستان (به‌ویژه پس از ۱۱ سپتامبر)؛ مطالعات تأثیرگذاری سیاست امنیتی - نظامی پاکستان بر مسائل افغانستان؛ مطالعات امنیتی با محوریت بازدارندگی هسته‌ای در روابط خارجی پاکستان (به‌ویژه تنش با هند)؛ مطالعات روابط ایران و پاکستان در چهارچوب همگرایی منطقه‌ای (به‌ویژه حوزه انرژی).	۱۸	مطالعات پاکستان
مطالعات قطر با محوریت تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا؛ مطالعات قطر در حوزه رقابت منطقه‌ای (به‌ویژه با عربستان سعودی)؛ مطالعات قطر و دیپلماسی اقتصادی (به‌ویژه حوزه انرژی)؛ مطالعات قطر با محوریت نقش‌آفرینی در بحران سوریه.	۱۷	مطالعات قطر
مطالعات تأثیرپذیری مسائل بحری از سیاست‌گذاری خارجی عربستان سعودی مطالعات سیاست داخلی بحرین با محوریت نقض حقوق بشر؛ مطالعات تاریخی و تأثیر قدرت‌های بزرگ در جدا شدن بحرین از ایران؛	۱۴	مطالعات بحرین

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
		مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و تأثیرگذاری ویژگی‌های ارزشی و هنجاری بر سیاست‌گذاری خارجی بحرین.
مطالعات جمهوری آذربایجان	۷	بررسی روابط خارجی ایران و جمهوری آذربایجان (با محوریت همگرایی و همکاری مشترک)؛ بررسی روابط خارجی جمهوری آذربایجان با محوریت امنیت بین‌الملل و منطقه‌ای؛ بررسی سیاست‌های حوزه انرژی جمهوری آذربایجان و تأثیرگذاری آن بر تحولات منطقه قفقاز.
مطالعات کویت	۵	بررسی روابط ایران و کویت بر مبنای مؤلفه‌های فرهنگی - تاریخی؛ مطالعه موردی روابط خارجی کویت؛ بررسی تأثیرگذاری سیاست‌گذاری حوزه انرژی کویت بر معادلات منطقه.
مطالعات امارات متحده عربی	۵	مطالعات موردی روابط خارجی امارات متحده عربی؛ بررسی سیاست خارجی امارات متحده عربی بر اساس دیپلماسی اقتصادی.
مطالعات عمان	۴	مطالعات موردی روابط خارجی عمان؛ مطالعات نقش‌آفرینی دیپلماسی فعال عمان در بحران‌های منطقه (به‌ویژه مسائل مرتبط با ایران).
مطالعات ترکمنستان	۲	بررسی روابط خارجی ترکمنستان از منظر همکاری مشترک منطقه‌ای.

جدول شماره ۴: رویکردسنجی مقالات مرتبط با سیاست آسیایی، به ترتیب بیشترین فراوانی

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
مطالعات چین	۸۵	مطالعات چین با محوریت تشدید رقابت چین و آمریکا (به‌ویژه در بعد اقتصادی)؛ مطالعات جایگاه چین در نظام بین‌الملل؛ مطالعات چین و دیپلماسی اقتصادی؛ مطالعات روابط خارجی چین به‌صورت مطالعه موردی؛

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
		مطالعات روابط چین و سازمان‌های بین‌المللی؛ مطالعات روابط ایران و چین با محوریت همکاری‌های اقتصادی و بین‌المللی (نگاه به شرق در ایران).
مطالعات هند	۲۹	مطالعات روابط هند و آمریکا با محوریت همکاری مشترک و همگرایی؛ مطالعات هند با رویکرد اقتصادی - سیاسی؛ مطالعات موردی روابط خارجی هند؛ مطالعات روابط ایران و هند با محوریت همکاری اقتصادی.
مطالعات کره	۷	مطالعات بحران و تنش در شبه‌جزیره کره با محوریت نقش آفرینی سیاست خارجی آمریکا در ایجاد و تداوم مطالعات تشدید تنش میان دو کره با محوریت بازدارندگی هسته‌ای.
مطالعات ژاپن	۶	مطالعات روابط خارجی ژاپن با محوریت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی متأثر از سیاست خارجی آمریکا؛ مطالعات تاریخی روابط خارجی ژاپن؛ مطالعات موردی سیاست خارجی ژاپن.

جدول شماره ۵: رویکردسنجی مقالات مرتبط با کانون‌های بحران در منطقه، به ترتیب بیشترین فراوانی

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
مطالعات سوریه	۵۳	مطالعات سوریه با محوریت مبارزه با تروریسم؛ مطالعات سوریه با محوریت بررسی نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ایجاد و تداوم بحران؛ مطالعات موردی سیاست خارجی سوریه؛ مطالعات داعش (از شکل‌گیری تا سقوط)؛ مطالعات جایگاه سوریه در محور مقاومت.
مطالعات اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی)	۳۱	مطالعات تأثیرپذیری سیاست خارجی آمریکا از مسائل اسرائیل؛ مطالعات موردی سیاست خارجی اسرائیل؛ مطالعات نقض حقوق بشر توسط اسرائیل؛ مطالعات تأثیرگذاری محور مقاومت بر سیاست‌گذاری خارجی اسرائیل؛ مطالعات مرتبط با عادی‌سازی روابط کشورهای منطقه با اسرائیل و تأثیر آن بر معادلات منطقه‌ای.

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
مطالعات یمن	۲۸	مطالعات نقض حقوق بشر در یمن و توسط عربستان سعودی (به‌ویژه کاربرد سلاح‌های غیرمتمعارف)؛ مطالعات یمن و مسائل مرتبط با سازمان‌های بین‌الملل (به‌ویژه موارد حقوق بشری و انتقاد به عملکرد و استاندارد دوگانه این سازمان‌ها)؛ مطالعات ژئوپلیتیک یمن؛ مطالعات موردی سیاست خارجی یمن؛ مطالعات جامعه‌شناسی سیاسی و تأثیرپذیری تحولات یمن از نظام ارزشی و هنجاری ملی.

جدول شماره ۶: رویکردسنجی مقالات مرتبط با تحولات منطقه‌ای

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
مطالعات غرب آسیا (خاورمیانه)	۱۰۶	مطالعات تحولات خاورمیانه با محوریت تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا؛ مطالعات تحولات خاورمیانه با محوریت مبارزه با تروریسم؛ مطالعات تحولات خاورمیانه ذیل تأثیرپذیری از دیپلماسی اقتصادی و سیاست‌گذاری در حوزه انرژی؛ مطالعات تحولات خاورمیانه با محوریت تأثیرپذیری از عملکرد محور مقاومت؛ مطالعات موردی سیاست خارجی کشورها و تأثیرگذاری بر تحولات خاورمیانه آینده‌پژوهشی تحولات خاورمیانه.
انرژی (نفت و گاز)	۵۴	مطالعات سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه سیاست‌گذاری انرژی و تأثیر آن بر سیاست بین‌الملل؛ مطالعات دیپلماسی انرژی؛ مطالعات موردی سیاست‌گذاری حوزه انرژی کشورها و تأثیر آن بر سایر بازیگران نظام بین‌الملل.
خلیج فارس	۳۵	مطالعات تحولات خلیج فارس تحت تأثیر سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ (به‌ویژه آمریکا)؛

حوزه‌های مطالعاتی	تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
		مطالعات ژئوپلیتیک خلیج فارس؛ مطالعات امنیت جمعی و اقدام گروهی در خلیج فارس (به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس)؛ مطالعات موردی سیاست خارجی کشورها و تأثیرگذاری بر تحولات خلیج فارس.
محیط زیست	۱۲	مطالعات همکاری‌های بین‌المللی محیط زیستی و تأثیر آن بر تحولات منطقه‌ای؛ مطالعات چالش‌های محیط زیستی دارای ابعاد فرا ملی و تأثیرگذاری بر تحولات منطقه‌ای.
شرق آسیا	۶	مطالعات تأثیرپذیری تحولات شرق آسیا از سیاست خارجی آمریکا (به‌ویژه در مورد چین و کره شمالی)؛ مطالعات همکاری‌ها و همگرایی منطقه‌ای و تأثیر آن بر ایجاد ثبات در شرق آسیا.

در بررسی‌های رویکردسنجی دریافتیم که از ۶۱۴ مقاله مرتبط با سیاست همسایگی و آسیایی ۲۷۵ مورد (۴۴ درصد) مسائل را از منظر تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار داده‌اند که با رویکردسنجی جزئی و دقیق به یافته‌های جدول‌های شماره ۷، ۸ و ۹ دست یافتیم. بررسی ترکیبی یافته‌های این جداول نشان می‌دهد که پژوهشگر ایرانی نه به دلیل پذیرش جایگاه چیره‌طلب (هژمونی) توسط آمریکا بلکه به دلیل حضور گسترده آمریکا در وقایع مرتبط با سیاست همسایگی و آسیایی - در حوزه مسائل ایران - به عملکرد سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان متغیر مستقل مؤثر پرداخته است. همچنین پژوهشگر ایرانی برای آمریکا قائل به نقش «خیرخواه» نبوده و حضور و دخالت آمریکا در مسائل و به‌ویژه بحران‌ها را عامل اصلی شکل‌گیری و تداوم بحران‌ها دانسته و درنهایت سیاست‌گذاری خارجی آمریکا را عامل بی‌ثباتی و عدم برقراری صلح در حوزه همسایگان ایران، خاورمیانه و قاره آسیا دانسته است. البته این یافته مؤید یافته‌های سه پژوهش گذشته نگارنده است که درنهایت می‌تواند ما را به این گزاره علمی تأییدشده برساند که «پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل برای آمریکا در نظام بین‌الملل جایگاه چیره‌طلب (هژمونی) قائل نبوده و آمریکا را یک بازیگر از جنس خیرخواه ندانسته و درنهایت نسبت به عملکرد سیاست خارجی

آمریکا بدبین بوده؛ اما به دلیل گستردگی عملکرد سیاست خارجی آمریکا در بررسی موضوعات برای متغیر سیاست خارجی آمریکا اهمیت قائل است».

نکته قابل تأمل نزدیک بودن این نگاه پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل به سیاست‌گذاری رسمی خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در پژوهش‌های گذشته نیز تأکید کردیم که می‌بایست این مسئله مورد بررسی دقیق و آسیب‌شناسی علمی قرار گیرد که چه میزان از این «بدبینی» برخاسته از یافته‌های پژوهشی، چه میزان برخاسته از «نظام ارزشی-هنجاری» حاکم بر اتمسفر فکری و زمینه‌مندی و چه میزان مرتبط با «سندروم کیسینجر»^۱ و تلاش احتمالی پژوهشگر ایرانی برای نزدیکی و هم‌سویی با کانون‌های قدرت است که اگر پژوهش‌های آینده نشان دهد که این موضوع کمتر برگرفته از یافته‌های عینی پژوهشی است درنهایت می‌تواند با تأیید بدون پشتوانه علمی و عینی سیاست‌گذاری خارجی منجر به اشتباهات غیرقابل جبران در سیاست‌گذاری کلان و عملکرد سیاست خارجی کشور شود.

جدول شماره ۷: رویکردسنجی مقالاتی که مسائل را از منظر تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار داده‌اند

تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات- به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار (از ۲۷۵ مورد)
۴۶	مطالعات سیاست خارجی عربستان سعودی با محوریت تأثیرپذیری از سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا
۴۱	مطالعات سیاست خارجی عراق با محوریت تأثیرپذیری از سیاست‌گذاری سیاسی- امنیتی آمریکا
۳۹	مطالعات روابط چین و آمریکا با محوریت رقابت اقتصادی
۳۶	مطالعات روابط خارجی ترکیه با محوریت تأثیرپذیری از سیاست‌گذاری دفاعی آمریکا مبتنی بر عملکرد ناتو
۲۲	مطالعات روابط چین و آمریکا با محوریت رقابت در نفوذ منطقه‌ای
۲۱	مطالعات روابط خارجی افغانستان با محوریت تأثیرپذیری از اشغال نظامی توسط آمریکا
۱۹	مطالعات بحران سوریه با محوریت نقش‌آفرینی آمریکا در ایجاد و حمایت از گروه‌های

۱. جهت اطلاع از مبانی نظری مرتبط با مفهوم سندروم کیسینجر به مقاله نگارنده با عنوان «تأثیرپذیری نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل از سیاست خارجی آمریکا: مطالعه موردی مقالات ایرانی ۱۳۹۸-۱۴۰۰» در فصلنامه «پژوهش‌های راهبردی سیاست» دانشگاه علامه طباطبائی مراجعه شود.

تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار (از ۲۷۵ مورد)
	افراط‌گرای تروریست
۱۲	مطالعات سیاست خارجی هند با محوریت تأثیرپذیری از همگرایی در روابط خارجی با آمریکا
۱۱	مطالعات بحران یمن با محوریت تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا در قبال عربستان سعودی
۸	مطالعات اسرائیل با رویکرد نقش‌آفرینی آمریکا در عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه
۶	مطالعات تأثیرپذیری سیاست‌گذاری امنیتی - نظامی پاکستان از عملکرد آمریکا در منطقه (به‌ویژه اشغال نظامی افغانستان)
۵	مطالعات سیاست خارجی قطر با محوریت تأثیرپذیری از سیاست خارجی خاورمیانه‌ای آمریکا
۵	مطالعات شبه‌جزیره کره با محوریت تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا و حضور نظامی آمریکا در شرق آسیا
۴	مطالعات سیاست خارجی ژاپن با محوریت تأثیرپذیری از همگرایی با سیاست خارجی آمریکا

جدول شماره ۸: رویکردسنجی مفهوم «قدرت چیره‌طلب» (هژمونی) در مقالاتی که مسائل را از منظر تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار داده‌اند.

تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار (از ۲۷۵ مورد)
۱۷۰	مقالاتی که در موضوعات به افول هژمونی آمریکا پرداخته‌اند
۵۸	مقالاتی که به‌صورت ضمنی آمریکا را دارای جایگاه قدرت چیره‌طلب (هژمونی) دانسته‌اند
۴۷	مقالاتی که صراحتاً آمریکا را دارای جایگاه قدرت چیره‌طلب (هژمونی) دانسته‌اند

جدول شماره ۹: رویکردسنجی مفهوم «قدرت چیره طلب خیرخواه» (هزموونی خیرخواه) در مقالاتی که مسائل را از منظر تأثیرپذیری از سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار داده‌اند^۱

تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار (از ۲۷۵ مورد)
۲۱۱	مقالاتی که عملکرد خارجی آمریکا را محل صلح و ثبات در وقایع مرتبط با همسایگان ایران، مسائل منطقه‌ای و آسیایی دانسته‌اند؛
۱۶۴	مقالاتی که تداوم بحران و تنش در مسائل مرتبط با همسایگان ایران، خاورمیانه و قاره آسیا را حاصل سیاست‌گذاری خارجی آمریکا می‌دانند؛
۸۳	مقالاتی که تروریسم و افراطی‌گرایی در خاورمیانه و آسیا را حاصل عملکرد خارجی آمریکا دانسته‌اند؛
۷۹	مقالاتی که عملکرد سیاست خارجی آمریکا را عامل ایجاد رقابت‌های اقتصادی و نظامی و درنهایت عدم امکان نیل به ثبات می‌دانند؛
.	مقالاتی که سیاست خارجی و دفاعی آمریکا را موجب ایجاد ثبات در وقایع مرتبط با همسایگان ایران، مسائل منطقه‌ای و آسیایی دانسته‌اند.

همچنین در حوزه رویکردسنجی مقالات دریافتیم که تنها ۱۱۷ مقاله (۱۹ درصد) به مسائل از منظر نیازهای سیاست خارجی و منافع ملی ایران (یافته‌های جدول شماره ۱۰) و درنهایت صرفاً ۲۶ مقاله (۴ درصد) به بررسی عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مسائل پرداخته‌اند که این یافته‌ها مؤید یافته‌های پژوهش‌های گذشته نگارنده شامل «سکوت پژوهشی در زمینه تأثیرگذاری حاصل از عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران - مثبت یا منفی - در وقایع بین‌الملل» به‌ویژه در منطقه خاورمیانه و قاره آسیا است - ابتلا به‌نوعی از سندروم حاد کیسینجر - در اینجا و بر اساس یافته‌های سه پژوهش گذشته نگارنده و این پژوهش می‌توان به یک گزاره علمی تأیید شده دیگر نیز دست یافت که «پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل علی‌رغم داشتن موضع علمی - مثبت یا منفی - نسبت به نتایج حاصل از عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران جهت کاهش هزینه در این زمینه سکوت پژوهشی را بهترین گزینه می‌داند»؛ زیرا پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل متصور است که اگر عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی

۱. آن‌چنان که در بخش قبل نیز توضیح داده شد، هر مقاله ممکن است همزمان در چند گروه از کدگذاری قرار گیرد یعنی همزمان هم تروریسم و افراطی‌گرایی در منطقه و هم رقابت‌های منطقه‌ای را حاصل سیاست خارجی آمریکا بداند.

را تأیید کند مورد انتقاد از سوی جامعه دانشگاهی - داخلی و خارجی - با برجسب سیاست‌زدگی و غیرعلمی بودن پژوهش‌هایش و تلاش برای نزدیکی به قدرت سیاسی، و از سوی گروه‌ها و جناح‌های سیاسی داخل کشور متهم به حمایت از یک دولت خاص یا وابستگی به جناح چپ یا راست، اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا یا ... با هدف کسب منافع مادی می‌شود و احتمالاً جایگاه علمی و پرستیژ دانشگاهی او متزلزل گردد؛ همچنین پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل متصور است اگر عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را رد یا نقد جدی بر آن وارد کند احتمالاً امنیت شغلی و درآمد اقتصادی‌اش به دلیل عبور از خطوط قرمز به خطر بیفتد (زیرا تصور بر این است که مباحث سیاست خارجی در زمره خطوط قرمز کشور یا حداقل خطوط قرمز مسئولان اجرایی وقت کشور محسوب می‌شود که هم‌زمان هم مجری اصلی سیاست خارجی و هم مدیر بخش اجرایی امور دانشگاهی هستند و احتمالاً خیلی از نقد عملکردشان استقبال نخواهند کرد). به همین دلیل بخش قابل‌توجهی از پژوهشگران رویه سکوت پژوهشی در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را برای کاهش این هزینه‌ها اتخاذ کرده‌اند.

این معضل در نهایت منجر به فاصله گرفتن معنادار بخش مهمی از جامعه دانشگاهی روابط بین‌الملل از مباحث مرتبط با سیاست خارجی کشور شده است که در حال حاضر نیز آثار منفی آن در سیاست‌گذاری خارجی کشور مشهود است. به همین دلیل، و بر مبنای عدم تمایل اندیشمندان روابط بین‌الملل ایرانی به پژوهش در زمینه نتایج حاصل از عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در معادلات بین‌المللی، امکان سنجش موفق دانستن یا ناموفق دانستن، اخلاقی دانستن یا اخلاقی ندانستن سیاست همسایگی و آسیایی ایران (آن‌چنان‌که در بخش شماره ۲ در همین مقاله و با عنوان «سیاست همسایگی موفق» اشاره شد) از سوی جامعه دانشگاهی ایران در بررسی مقالات وجود ندارد. طبیعی است که وقتی به نتایج حاصل از عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی - مثبت یا منفی - پرداخته نشده است، پژوهشگر امکان ورود به آسیب‌شناسی سیاست همسایگی را نیز ندارد. دقت شود به‌عنوان مثال وقتی پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل مسائل عراق یا افغانستان یا عربستان سعودی را بدون در نظر گرفتن تأثیر عملکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد هم‌زمان دچار خودسانسوری شده و امکان آسیب‌شناسی روابط بین دو کشور را نیز از خود سلب می‌کند. چرا که آسیب‌شناسی سیاست همسایگی در مرحله اول نیازمند تحلیل عملکرد دو طرف و در مرحله بعد نقد است که ظاهراً

پژوهشگر ایرانی به عرصه نقد سیاست خارجی کشور وارد نمی‌شود و با احتیاط از کنار آن عبور می‌کند.

جدول شماره ۱۰: رویکردسنجی مقالاتی که به مسائل از منظر نیازهای سیاست خارجی و منافع ملی

ایران پرداخته‌اند

تعداد	جهت‌گیری موضوعی مقالات- به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار (از ۱۱۷ مورد)
۳۵	مقالاتی که بر حوزه مطالعات انرژی (به‌ویژه نفت و گاز) متمرکز هستند؛
۳۱	مقالاتی که بر بعد تأثیرگذاری بحران‌ها و مسائل همسایگان بر امنیت ملی کشور متمرکز هستند؛
۲۹	مقالاتی که بر سیاست همسایگی و آسیایی در چهارچوب بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا متمرکز هستند؛
۱۸	مقالاتی که گسترش روابط همسایگی را در چهارچوب وابستگی متقابل و ایجاد ثبات مورد بررسی قرار می‌دهند؛
۴	مقالاتی که عمق‌بخشی به روابط همسایگی را عامل حل معضلات زیست‌محیطی منطقه‌ای و کشور می‌دانند.

همچنین در حوزه رویکردسنجی مقالات دریافتیم که پژوهشگران ایرانی توجه کمی به جایگاه سازمان‌های بین‌المللی و ائتلاف‌های منطقه‌ای دارند. در میان ۶۱۴ مقاله تعداد ۵۴ مقاله (حدود ۸ درصد) مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای یافته شد؛ در حوزه‌های مطالعاتی سازمان ملل متحد ۱۱ مورد، بریکس ۸ مورد، شورای همکاری خلیج فارس ۸ مورد، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آ. سه. آن) ۷ مورد، سازمان همکاری شانگهای ۶ مورد، سازمان همکاری اسلامی ۵ مورد، اوپک ۴ مورد، اتحادیه عرب ۳ مورد و سازمان همکاری اقتصادی (اگو) ۲ مورد پژوهش یافته شد (دقت شود این تعداد مقاله برای یک بازه زمانی چهارساله است که تقریباً عدد بسیار کمی لحاظ می‌شود و نمایانگر فقر نظری و پژوهشی شدید است). همچنین در ۸ مورد از پژوهش‌ها نیز در راستای بی‌اثر کردن تحریم‌های آمریکا پیشنهاد شده است که ائتلافی دوجانبه یا چندجانبه میان کشورهایی که مانند ایران تحریم شده‌اند و سیاست‌گذاری خارجی آن‌ها در تضاد آشکار با آمریکا قرار دارد شکل بگیرد (مفهومی شبیه ایده باشگاه تحریمی‌ها). اگر ۵۴ مقاله مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در حوزه مطالعات آسیایی و همسایگی را مورد بررسی دقیق قرار دهیم به

نتایج جدول شماره ۱۱ دست می‌یابیم. با مطالعه دقیق این ۵۴ مقاله درمی‌یابیم که پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل دارای نوعی سیستم ارزش‌گذاری و داوری در پژوهش‌های مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است و نسبت به عملکرد بریکس، آ.سه.ان، سازمان همکاری شانگهای، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و سازمان همکاری اسلامی «نگاه مثبت» داشته و برعکس نسبت به عملکرد سازمان ملل متحد، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب «نگاه منفی» و نسبت به عملکرد اوپک نگاهی خنثی دارد. این ارزش‌گذاری درنهایت می‌تواند نمایانگر نگاه نقادانه پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل نسبت به نظم و نظام بین‌الملل کنونی باشد که او را به سوی «خوش‌بینی» نسبت به عملکرد نهادها و سازمان‌های منتقد جریان اصلی قدرت بین‌المللی سوق می‌دهد. این نگاه نقادانه به نظم بین‌المللی کنونی می‌بایست در پژوهش‌های آتی مورد بررسی دقیق قرار گیرد و این پرسش مطرح شود که با توجه به آنکه پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل نسبت به سازمان‌های بین‌المللی حاکم- مانند سازمان ملل- نگاه منفی دارد چه پیشنهاداتی و چه راهکارهایی در جهت بهبود عملکرد این سازمان‌ها داشته و همچنین «خوش‌بینی» نسبت به سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مخالف «وضعیت کنونی» بر مبنای چه اصول و مفاهیم برخاسته از دانش روابط بین‌الملل است. به‌عنوان مثال اگر پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل نسبت به بریکس و عضویت دائمی ایران در آن خوش‌بین است، بر اساس چه مبنایی برخاسته از روابط بین‌الملل چنین خوش‌بینی شکل گرفته و درنهایت بررسی شود که چه روندی از سوی سیاست‌گذار خارجی ایران باید اتخاذ شود که بریکس در صورت گسترش اعضا از نظر عملکرد تبدیل نهادی مانند سازمان ملل متحد کنونی نشود و همچنین بر اساس چه فرایند برخاسته از سیاست‌گذاری خارجی، ایران در بریکس می‌تواند نقش تعیین‌کننده و کلیدی مستمر- نه منطبق بر نیازهای اعضا قدرتمندتر- ایفا نماید. این‌ها پرسش‌های مهمی است که اگر بی‌پاسخ بمانند و اگر در این حوزه‌ها پژوهش مکفی مبتنی بر علم وجود نداشته باشد درنهایت با توجه به نگاه به شرق جدی و عمل‌گرا در دکترین سیاست خارجی کشور و تمایل به اتحاد و ائتلاف با کشورهایی که سیاست خارجی آن‌ها در تضاد و تنش با آمریکا و غرب قرار دارد، درنهایت می‌تواند نقش و عملکرد سیاست خارجی کشور را به اندازه ابزار چانه‌زنی در دست قدرت‌های نوظهور تقلیل دهد و سیاست خارجی ایران را تبدیل به برگه‌ای برای بازی قدرت‌های نوظهور در نظم بین‌المللی نماید.

جدول شماره ۱۱: رویکردسنجی مقالاتی که به مسائل مرتبط با سازمان‌های بین‌المللی پرداخته‌اند

حوزه مطالعاتی	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
سازمان ملل متحد	بررسی عملکرد سازمان ملل در جهت حفظ "وضع موجود" در نظام بین‌الملل؛ بررسی عملکرد سازمان ملل در وقایع مشروعیت‌ساز برای اقدامات بین‌المللی قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا؛ بررسی عملکرد سازمان ملل در جهت مهار قدرت‌های نوظهور؛ بررسی عملکرد و استاندارد دوگانه سازمان ملل در وقایع و بحران‌ها.
بریکس	بررسی عملکرد بریکس در جهت ایجاد اتحادی از قدرت‌های نوظهور تحت عنوان عاملی در جهت مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا؛ بررسی پیامدهای افزایش همکاری میان اعضای بریکس (وزنه‌ای تعادلی در مقابل سایر سازمان‌های بین‌المللی)؛ بررسی لزوم گسترش بریکس و افزایش اعضا در جهت توانمندسازی آن.
شورای همکاری خلیج فارس	بررسی گسترش روابط شورای همکاری خلیج فارس با اسرائیل تحت تأثیر سیاست خارجی آمریکا؛ بررسی روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس.
آ.سه.آن	بررسی همگرایی منطقه‌ای در شرق آسیا حول محور اقتصاد سیاسی آ.سه.آن؛ بررسی چالش‌های امنیتی پیش روی آ.سه.آن؛ بررسی تأثیر عملکرد همگرایی آ.سه.آن بر اقتصاد جهانی.
سازمان همکاری شانگهای	بررسی رقابت ناتو و سازمان همکاری شانگهای در بحران‌های آسیایی؛ بررسی رویکرد چین به سازمان همکاری شانگهای؛ بررسی رویکرد ایران نسبت به سازمان همکاری شانگهای با محوریت اهمیت عضویت اصلی و کامل ایران در آن.
سازمان همکاری اسلامی	بررسی نتایج حاصل از ایجاد اتحاد مؤثر و واقعی میان کشورهای اسلامی (قدرت اقتصادی- سیاسی بین‌المللی)؛ بررسی نقش سیاست آمریکا در ایجاد تفرقه میان کشورهای اسلامی به‌ویژه بحث عادی‌سازی روابط با اسرائیل؛ بررسی عملکرد کشورهای اسلامی در بحران‌های منطقه به‌ویژه سرزمین‌های اشغالی و یمن.
اوپک	بررسی نقش‌آفرینی اوپک در اقتصاد جهانی؛ بررسی تأثیرپذیری اوپک از سیاست‌گذاری حوزه انرژی آمریکا؛

حوزه مطالعاتی	جهت‌گیری موضوعی مقالات - به ترتیب بر اساس بیشترین تکرار
	بررسی سیاست‌های نفتی ایران و تأثیر آن بر اوپک.
اتحادیه عرب	بررسی سیاست‌گذاری اتحادیه عرب و تأثیرپذیری از سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا؛ بررسی نقش‌آفرینی اتحادیه عرب در بحران‌های منطقه؛
سازمان اکو	بررسی تطبیقی عملکرد سازمان اکو با سایر سازمان‌های بین‌المللی مشابه بررسی جایگاه سازمان اکو در توزیع قدرت نظام بین‌الملل کنونی.

در رویکردسنجی مقالات با موضوع سیاست همسایگی دریافتیم که پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل نسبت به پیشینه فرهنگی - تاریخی و نقش‌آفرینی این شاخص در شکل‌دهی نظام ارزشی - هنجاری که در نهایت مؤثر بر سیاست‌گذاری روابط خارجی می‌باشد بی‌توجه است و مسائل بیشتر از دریچه امور مادی (به‌ویژه منطبق بر دکترین اقتصادی - امنیتی) نگریسته می‌شود. باید دقت داشت خلیج فارس بیش از ۷ هزار سال یک آبراه داخلی کاملاً ایرانی بوده است و شمال و جنوب خلیج فارس هزاران سال در زمره سرزمین‌های تحت حاکمیت ایران قرار داشته و نهاد فرهنگ و تاریخ در کشورهای تازه تأسیس عربی جنوب خلیج فارس علی‌رغم ترویج «پان‌عربیسم افراطی» هدفمند متأثر از ایران هراسی، هنوز هم دارای رگه‌هایی از تمدن ایرانی است (قدمت تأسیس کشورهای عربی جنوب خلیج فارس مربوط به دوره پسا عثمانی است و حتی بحرین تا ۱۹۷۱ استانی از ایران بوده است). همچنین سرزمین‌های ما بین ایران و چین شامل کشورهای کنونی افغانستان، هند، پاکستان، کشمیر، ازبکستان، ترکمنستان و تاجیکستان به‌شدت تحت تأثیر فرهنگ، ادب و تاریخ تمدن ایرانی بوده و سرزمین ایران را همچون بخشی از هویت ملی خود می‌دانند. سرزمین‌های شمال غرب ایران شامل قفقاز و کشورهای تازه استقلال‌یافته جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نیز تا دوران جنگ‌های تزاری بخشی از ایران بزرگ بوده و دارای پیشینه فرهنگی و تاریخی مشترک و غیرقابل انکار با سرزمین اصلی هستند. بر این اساس میان ایران امروزی و بخش قابل‌توجهی از همسایگان و هم‌جواریان، یک عامل مشترک پیونددهنده فرهنگی و تاریخی (تمدنی) عمیق غیرقابل انکار وجود دارد که متأسفانه کمتر به آن پرداخته می‌شود. باید دقت شود که سیاست‌گذاری در خلأ انجام نمی‌شود و متأثر از اتمسفر فکری است (مبحث زمینه‌مندی) که اجزای اصلی تشکیل‌دهنده آن تاریخ، فرهنگ و تمدن است.

همچنین در بررسی رویکردسنجی مقالات دریافتیم که در هیچ یک از ۶۱۴ مقاله، راه کاری در جهت افزایش و تقویت سیاست همسایگی و همچنین در مسیر پایان به بحران های منطقه ای و بحران های موجود در کشورهای همسایه ارائه نشده است. گویی پژوهشگر ایرانی روابط بین الملل وظیفه پژوهشی خود را توضیح و حداکثر تبیین مسائل می داند و پا را از تبیین فراتر نگذاشته و برقراری رابطه علی میان متغیرها را کافی می داند. غافل از اینکه دانش روابط بین الملل مسئله محور است و هدف عملی علم روابط بین الملل ارائه راهکار دانش بنیان جهت حل بحران و حفظ صلح منطقه ای و بین المللی است. به عنوان مثال پژوهشگر ایرانی روابط بین الملل با تشخیص واقع بینانه ریشه های بحران ها، مثلاً در جنگ یمن یا در تنش میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در نهایت باید راهکاری قابل اجرا جهت کاهش بحران و نیل به صلح ارائه نماید. در پژوهش های ایرانی روابط بین الملل، پژوهش در مرحله توضیح و تحلیل مسئله متوقف و به پایان می رسد. مانند آنچه در سبک سینمایی پایان باز مرسوم است.

نکته دیگر قدیمی بودن موضوعات پژوهشی روابط بین الملل ایرانی است در حالی که علم روابط بین الملل به ویژه در حوزه مطالعات سیاست خارجی موظف به پاسخگویی سریع به وقایع جاری در قالب توصیه علمی به سیاست گذاران و مجریان سیاست خارجی است. بخشی از این مشکل ریشه در طولانی شدن فرایند داوری و چاپ مقالات پژوهشی در مجلات علمی دارد. با دقت به یافته های جدول شماره ۱۲ که بیانگر فاصله زمانی بین ارسال مقاله توسط پژوهشگر، داوری، اصلاحات و پذیرش نهایی توسط مجله و در نهایت تاریخ چاپ است، توجه کنید (داده ها از ۶۱۴ مقاله مورد بررسی در این پژوهش استخراج شده است، در ابتدای هر مقاله علمی- پژوهشی به صورت مرسوم تاریخ ارسال مقاله، تاریخ پذیرش مقاله و تاریخ چاپ درج شده است)؛ این مراحل متوسط حدود ۱۶ ماه به طول می انجامد (با فرض اینکه با ارسال به اولین مجله کارها انجام و مقاله مورد پسند هیئت تصمیم گیر قرار گرفته و در نهایت به چاپ برسد و نیازی به ارسال به مجلات دیگر نباشد). به عنوان مثال هم زمان با نگارش این مقاله و برگزاری همایش، جنگ حماس و اسرائیل در جریان است، زمانی که یک مقاله در این زمینه به رشته تحریر درآید (تدوین یک مقاله پژوهشی به شرط داشتن پیش زمینه علمی و مطالعه مستمر در گذشته و جمع آوری مطالب به مرور زمان، حداقل به دو ماه کار علمی جهت نگارش و سازماندهی پژوهش نیاز دارد) و فرایند داوری مجلات را طی و به صف چاپ رفته و در نهایت منتشر شود، یک بازه زمانی حداقل

یک سال و نیم طی خواهد شد (احتمالاً در شماره بهار ۱۴۰۴ یک فصلنامه چاپ می‌شود). به احتمال قوی تا زمان انتشار مقاله مذکور بحران غزه به اتمام رسیده و حتی اگر پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل راهکاری مبتکرانه نیز ارائه کرده باشد، زمان برای اجرایی شدن آن از دست رفته است. دقت شود بخش قابل‌توجهی از اساتید و پژوهشگران اهل مصاحبه با جراید و نوشتن یادداشت برای روزنامه‌ها یا مصاحبه با رسانه‌ها نبوده و ترجیح آنان انتشار مقالات در مجلات علمی- پژوهشی است. باید توجه داشت که ظرفیت عددی ستون‌های بخش بین‌الملل جراید و روزنامه‌های کشور هم بسیار کمتر از تعداد اساتید و پژوهشگران ایرانی صاحب‌نظر است. در چنین شرایطی چگونه امکان استفاده از نظریات علمی صاحب‌نظران در مسائل روز وجود دارد؟

جدول شماره ۱۲: متوسط زمان لازم برای داوری و درنهایت پذیرش و چاپ هر مقاله، میانگین ۶۱۴ مقاله

متوسط زمان انتظار بر اساس ماه		
از ارسال مقاله تا چاپ	از پذیرش نهایی تا چاپ (صف چاپ)	از ارسال مقاله تا پذیرش نهایی (مراحل داوری)
۱۶/۵ ماه	۹ ماه	۷/۵ ماه

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این بخش به صورت تیتروار یافته‌های این پژوهش را بیان می‌کنیم:

- ❖ بخش قابل‌اعتنایی از مقالات ایرانی روابط بین‌الملل دارای موضوع سیاست همسایگی یا سیاست آسیایی هستند. (در این پژوهش از هر دو مقاله چاپ‌شده در جامعه آماری یک مقاله)؛
- ❖ به غیر از مطالعات در زمینه مسائل عربستان سعودی، عراق، روسیه و ترکیه که بیشتر بر بعد منطقه‌ای و بین‌المللی مسائل مرتبط با آن‌ها تمرکز وجود دارد در مورد سایر همسایگان ایران و همچنین روابط میان ایران و همسایگان آثار پژوهشی بسیار اندک در هرسال منتشر می‌شود که نمایانگر توجه اندک جامعه دانشگاهی به موضوع سیاست همسایگی با محوریت مسائل بومی و منافع ملی است؛
- ❖ بخش قابل‌توجهی از مقالات ایرانی با موضوع سیاست همسایگی و سیاست آسیایی به سیاست خارجی آمریکا به‌عنوان یک متغیر مستقل نگریسته و مسائل را از دریچه

- تأثیرگذاری قدرت‌های بزرگ به دلیل دارا بودن توان تأثیرگذاری بر مسائل و نه از منظر توان «چیره‌طلبی» نگاه می‌کنند؛
- ❖ در بخش قابل‌توجهی از مقالات ایرانی با موضوع سیاست همسایگی و سیاست آسیایی به نتایج حاصل از سیاست خارجی رسمی جمهوری اسلامی ایران بی‌توجه بوده و تأثیرگذاری مثبت و یا منفی آن را در مسائل مورد بررسی قرار نمی‌دهند؛
 - ❖ با توجه با اتخاذ سیاست جدی و عمل‌گرای نگاه به شرق در دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مقالات روابط بین‌الملل ایرانی مرتبط با مسائل چین و روسیه که نماد دکترین شرق‌گرایی محسوب می‌شوند اندک است و این موضوع با محوریت منافع ملی ایران چندان مورد توجه جامعه دانشگاهی قرار نگرفته است؛
 - ❖ پژوهشگر ایرانی روابط بین‌الملل به دنبال ارائه راهکار عملی برای برون‌رفت از بحران‌ها و تقویت روابط خارجی بر مبنای سیاست همسایگی و همچنین آسیب‌شناسی در پژوهش‌های سیاست همسایگی و آسیایی نبوده و صرفاً به تفسیر و تحلیل وقایع می‌پردازد که این موضوع در نهایت به قابل اجرا بودن پژوهش‌های ایرانی ضربه غیرقابل جبرانی وارد کرده است؛
 - ❖ در پژوهش‌های ایرانی نسبت به پیشینه فرهنگی- تاریخی و نقش‌آفرینی این شاخص در شکل‌دهی نظام ارزشی- هنجاری که در نهایت مؤثر بر سیاست‌گذاری روابط خارجی به‌ویژه در بعد همسایگی است؛ بی‌توجه بوده و مسائل ژئوپلیتیکی را نیز در پژوهش‌ها کمتر مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال در بررسی مسائل عراق به تنگنای ژئوپلیتیکی این کشور به دلیل دسترسی اندک و محدود به آب‌های آزاد عمیق قابل کشتیرانی تجاری بزرگ (در خلیج فارس) یا در مسئله عربستان سعودی و یمن به تنگنای ژئوپلیتیکی عربستان سعودی برای دسترسی مستقل به آب‌های آزاد - به‌صورت مستقل نه از طریق تنگه هرمز و کانال سوئز و تنگه باب‌المندب - یا در مسئله بحران اوکراین به تنگنای ژئوپلیتیکی روسیه برای دسترسی به آب‌های آزاد و ایجاد تمامیت ارضی در دریای آزوف - تبدیل‌شدن به یک آبراه داخلی- به‌عنوان مقدمه رفع تنگنای ژئوپلیتیکی توجهی نمی‌شود؛

❖ همچنان که در سه پژوهش گذشته نیز دریافتیم، پژوهشگر ایرانی علاقه‌مند به بررسی موضوعات از دریچه جریان اصلی نظریه‌پردازی به‌ویژه واقع‌گرایی است. در نتیجه جهان امروز را آنارشیک غیرقابل مهار می‌داند و به ائتلاف‌های موقت استراتژیک اعتقاد دارد؛ نتیجه قهری چنین نگاهی به جهان بین‌الملل این است که پژوهشگر ایرانی برای سازمان‌های بین‌المللی جایگاه مستقل و مؤثری در نظام بین‌المللی قائل نشده و در نهایت با نگاه بدبینانه، سازمان‌های بین‌المللی را عاملی در دست قدرت‌های بزرگ می‌داند. به همین منوال به سایر سازمان‌های بین‌المللی که به دنبال جایگزین ساختن برای جریان اصلی نظام بین‌الملل هستند؛ مانند بریکس، سازمان همکاری شانگهای، جنبش غیرمتعهدها، سازمان همکاری اسلامی و ... نیز خیلی توجه نمی‌شود و شاید جدی گرفته نمی‌شوند؛

در پایان به‌عنوان راهکاری برای برون‌رفت از وضعیت کنونی موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

❖ ایجاد کارگروه ملی مسائل سیاست همسایگی و آسیایی با کار ویژه تشخیص مسائل اصلی این حوزه مطالعاتی- منطبق با منافع و مصلحت ملی- و ایجاد ارتباط مستمر مسئله محور میان نهادهای سیاست‌گذار در زمینه سیاست خارجی و دانشگاه‌ها، با هدف ارائه راهکار علمی، عملی و واقع‌گرا برای حل علمی مسائل در چهارچوب منافع و مصلحت ملی؛

❖ ایجاد رشته تحصیلی سیاست همسایگی در تحصیلات تکمیلی و ایجاد گروه تخصصی مطالعات سیاست همسایگی به‌صورت مستقل در دانشگاه با هدف تربیت متخصصان حوزه سیاست همسایگی؛

❖ ارجاع موضوعات پژوهشی کاربردی مسئله محور - بر اساس نیازسنجی- از سوی نهادهای سیاست‌گذار خارجی با موضوع مطالعات همسایگی و سیاست آسیایی به دانشگاه‌ها و اختصاص بودجه پژوهشی، فرصت مطالعاتی و مشوق‌های مادی و معنوی مانند اولویت استخدام به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری که به این موضوعات در قالب رساله و پایان‌نامه در چهارچوب منافع ملی و مسائل مدنظر کشور می‌پردازند؛

- ❖ برگزاری جلسات مستمر نقد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نهادهای سیاست‌گذار با حضور اساتید و پژوهشگران تخصصی این حوزه‌ها و ایجاد مشوق‌های مادی و معنوی برای نقدهای سازنده‌ای که علاوه بر نقد سیاست خارجی کشور، راهکار علمی در جهت برون‌رفت و حل مسئله را نیز ارائه می‌نمایند؛
- ❖ تلاش برای تشویق اساتید و پژوهشگران در راستای کنار نهادن رویه «سکوت‌پژوهشی» در مواردی که مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است با هدف درمان ابتلا به سندروم کیسینجر. چرا که سکوت پژوهشی به معنای تأیید سیاست خارجی ایران نبوده بلکه به معنای تلاش جامعه دانشگاهی در جهت ممانعت از ایجاد تنش با نهادهای سیاست‌گذار است. زیرا تصور بر این است که مبانی سیاست‌گذاری خارجی کشور در زمره خطوط قرمز و نقد آن هزینه‌ساز است.

پیوست ۱: لیست مجلات (به ترتیب حروف الفبا)

نام مجله	نوع مجله	سازمان یا نهاد منتشرکننده
پژوهشنامه علوم سیاسی	فصلنامه	انجمن علوم سیاسی ایران
پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل	دو فصلنامه	دانشگاه فردوسی - مشهد
پژوهش‌های بین‌الملل	فصلنامه	انجمن ایرانی روابط بین‌الملل
پژوهش‌های راهبردی سیاست	فصلنامه	دانشگاه علامه طباطبائی
پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی	فصلنامه	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تاکستان
تحقیقات سیاسی و بین‌المللی	فصلنامه	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شهرضا
جستارهای سیاسی معاصر	فصلنامه	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دانش سیاسی	دو فصلنامه	دانشگاه امام صادق ^(ع)
راهبرد	فصلنامه	پژوهشکده تحقیقات راهبردی - مجمع تشخیص مصلحت نظام
روابط خارجی	فصلنامه	پژوهشکده تحقیقات راهبردی - مجمع تشخیص مصلحت نظام
رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی	فصلنامه	دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
ژئوپلیتیک	فصلنامه	انجمن ژئوپلیتیک ایران
سیاست	فصلنامه	دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
سیاست جهانی	فصلنامه	دانشگاه گیلان
سیاست خارجی	فصلنامه	دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه
سیاست و روابط بین‌الملل	دو فصلنامه	دانشگاه مازندران
مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل	فصلنامه	دانشگاه رازی - کرمانشاه
مطالعات انقلاب اسلامی	فصلنامه	دانشگاه معارف اسلامی
مطالعات بین‌المللی	فصلنامه	انجمن علمی مطالعات صلح ایران
مطالعات راهبردی	فصلنامه	پژوهشکده مطالعات راهبردی
مطالعات روابط بین‌الملل	فصلنامه	دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
مطالعات سیاسی جهان اسلام	فصلنامه	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی ^(ره) قزوین

References

- Brown, Chris, (2002), "On Morality, Self - Interest and Foreign Policy", *Government and Opposition*, Vol.37, No.2, pp.99-173.
- Brown, Chris, (2001), "Ethics, Interests and Foreign Policy", in Karen E. Smith and Margot Light, eds, *Ethics and foreign policy*, Cambridge University Press, p. 15-32.
- Dunne, Tim & Wheeler, Nicholas J., (2001), "Blair's Britain: a force for good in the world?", in Karen E. Smith and Margot Light, eds, *Ethics and foreign policy*, Cambridge University Press, pp.167-185
- Eriksen, Erik, (2006), "The EU—a Cosmopolitan Polity?", *Journal of European Public Policy*, Vol.13, No. 2, pp. 252-269.
- Hill, Christopher, (2003), " What Is to Be Done? Foreign Policy as A Site for Political Action", *International Affairs*, Vol.70, No. 2, p.233-255.
- Linklater, Andrew, (1992), "What Is a Good International Citizen?", in Paul Keal, ed., *Ethics and foreign Policy*, Sydney: Allen & Unwin, pp. 9-28.
- Morgenthau, Hans J., (1948), *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*, New York: Knopf.
- Wolfers, Arnold, (1962), *Discord and Collaboration: Essays on International Politics*, Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press.

